

تحلیل الگوی فضایی شاخص‌های منطقه‌ای محرومیت روستایی (مورد مطالعه: شهرستان پل دختر)

مهرداد طولابی نژاد^{۱*}، جواد بذرافشان^۲، سیروس قنبری^۲

۱. دکتری، جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.
۲. استادیار، جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

پذیرش: ۹۷/۰۶/۰۲

دریافت: ۹۶/۱۲/۰۵

چکیده

اندازه‌گیری محرومیت واحدهای جغرافیایی در بسیاری از کشورها تبدیل به اولویت توسعه روستایی شده است. هدف پژوهش تحلیل الگوی فضایی محرومیت روستایی شهرستان پل دختر براساس شاخص‌های منطقه‌ای است. تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی، روش انجام آن توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری خانوارهای روستایی شهرستان پل دختر است ($N=11289$). از طریق فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای ۴۰۰ خانوار به عنوان نمونه انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه و سالنامه‌های آماری است. از آزمون رتبه‌ای هم‌انباشتگی نامحدود اکتشافی (جوهانسن) برای شناسایی شاخص‌ها برای بررسی محرومیت مناطق مختلف از آزمون‌های تعقیبی (Post Hoc) و برای ارائه الگوی فضایی محرومیت از نرم‌افزار GIS استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که از هیجده شاخص موردنظر، یازده شاخص در سطح پایینی قرار دارند. از این تعداد سه شاخص درآمد و پس‌انداز (۰/۲۰۱۹)، مالکیت (۰/۱۲۰) و مسکن (۰/۱۱۴) مربوط به بعد اقتصادی، سه شاخص آموزشی (۰/۱۴۷)، بهداشتی (۰/۱۲۷) و خدمات رفاهی (۰/۱۱۴) مربوط به بعد اجتماعی، دو شاخص زیرساخت‌های فرهنگی (۰/۱۲۰) و حقوق قومیت‌ها (۰/۱۶۴) مربوط به بعد سیاسی-فرهنگی و سه شاخص محیط زیست (۰/۱۳۵)، شبکه معابر (۰/۱۰۲) و زیرساخت‌ها (۰/۱۶۰) مربوط به بعد محیطی-کالبدی است. اهمیت شاخص‌های عینی برای ارزیابی شاخص‌های محرومیت بیشتر از شاخص‌های ذهنی است. در مناطق روستایی تفاوت مکانی قابل توجهی در زمینه ابعاد محرومیت وجود دارد و می‌توان گفت که شناسایی شاخص‌های محرومیت برای برنامه‌ریزی و کاهش محرومیت مهم است.

کلیدواژگان: محرومیت روستایی، نابرابری منطقه‌ای، شاخص‌های محرومیت، شهرستان پل دختر.

۱- مقدمه

طبق گزارش بانک جهانی (۲۰۱۶)، بیش از ۴۶٪ جمعیت جهان (۳/۹ میلیارد نفر) در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. پیش‌بینی شده که تا سال ۲۰۵۰ این تعداد به ۳۴٪ کاهش پیدا کند (بانک جهانی، ۲۰۱۷:۳). مهم‌ترین دلیل این امر مهاجرت روستایی به نواحی شهری (ژانگ، ۲۰۱۶:۲۴۲)، برای جستجوی کیفیت بهتر زندگی، وجود نابرابری‌های منطقه‌ای و محرومیت روستایی است (وان و سو، ۲۰۱۷:۲۲). در این راستا مهاجرت‌های روستا-شهری به دلیل پیامدهای اقتصادی-اجتماعی آن بیش از سایر پدیده‌های جمعیتی مورد توجه قرار گرفته است (طاهرخانی، ۱۳۸۱:۴۲). از این‌رو برای جلوگیری از مهاجرت روستایی و پیشبرد توسعه روستایی، کاهش محرومیت و شناسایی شاخص‌های آن به عنوان یک اصل برای سیاست‌گذاران باید در اولویت قرار گیرد.

این شاخص‌ها برای شناسایی الگوهای نابرابری اقتصادی و اجتماعی جوامع مهم هستند (کابرا-بارونا و همکاران، ۲۰۱۵:۲). به همین دلیل توسط کشورها اقداماتی برای شناسایی این شاخص‌ها انجام گرفت (حکومت ولز، ۲۰۱۱:۱۲۴). تحقیقات سازمان‌های غیردولتی^۱ مانند موسسه خیریه جوانان بی‌خانمان^۲ (گونر، ۱۹۹۹:۲۱۴) و موسسه توسعه انسانی آکسفورد^۳ (الکیر و سانتوس، ۲۰۱۴:۲۵۳) نیز با هدف شناسایی محروم‌ترین مناطق و کمک به بهبود کیفیت زندگی آن‌ها انجام شد (یوان و وو، ۲۰۱۴:۱۴۲).

با این حال تا قبل از آن اقدامات انجام شده در مناطق روستایی نامناسب بود (فارمر و همکاران، ۲۰۰۱:۴۸۶)، ولی در سه دهه گذشته شاخص‌های محرومیت روستایی گسترده در بسیاری از کشورها مانند ایالات متحده آمریکا، کانادا، انگلستان و آفریقای جنوبی مورد توجه قرار گرفت (نوبل و همکاران، ۲۰۱۰:۲۸۲). در این تحقیقات بر اندازه‌گیری محرومیت و شناسایی استانداردهای برجسته زندگی تأکید شده است (مهادوان و هوانگ، ۲۰۱۶:۲۹۳). بعد از این تحقیقات در بیشتر کشورها، شاخص‌های محرومیت با رویکرد منطقه‌ای افزایش یافت. واحد جغرافیایی این مطالعات تا سطح بخش‌های محلی و ناحیه‌ای پیش رفت (یوان و وو، ۲۰۱۴:۱۴۲). اندازه‌گیری این شاخص‌ها در بسیاری از این کشورها وابسته به نظریه محرومیت تاونسند^۴ (۱۹۸۷) بود (الیکا و همکاران، ۲۰۱۶:۱۲۳). در ایران با این‌که یکی از اهداف مهم برنامه‌های اقتصادی-اجتماعی پس از انقلاب کاهش محرومیت و رفع نابرابری‌ها بوده

1. NGO's

2. Research charity for homeless young people

3. Oxford Institute for Human Development (OPHI)

4. Townsend's

(شیخ‌بیگلو، ۱۳۹۱: ۱۹۰)، ولی شاخص استاندارد برای اندازه‌گیری محرومیت روستایی به تصویب نرسیده است (طولابی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۱). هر چند مطالعاتی در زمینه شناسایی مناطق محروم توسط سازمان‌های مرتبط انجام شد (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸). شناسایی این شاخص‌ها برای نشان دادن ساختار محرومیت (الیکا، ۲۰۱۶: ۱۲۲)، برای گروه‌های خاص اجتماعی با توجه به منطقه جغرافیایی بسیار مهم است (براون، ۲۰۰۵: ۲۸۸۱)، همچنین به برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران برای رفع محرومیت کمک خواهد کرد. پیدا کردن شاخص‌ها و نماگرهای جامع برای سنجش آن و برای تحلیل نابرابری‌ها ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

شهرستان پلدختر از جمله مناطقی است که دارای جمعیت روستایی بالاتر از میانگین کشوری است (بیش از ۵۰٪) (طولابی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۱). روستاهای این شهرستان جز محروم‌ترین نواحی استان لرستان محسوب می‌شوند. ضرایب مربوط به قانون خدمت پزشکان و پیراپزشکان در نقاط مختلف استان در سال ۱۳۹۴ نیز حکایت از آن دارد که ضریب محرومیت در روستاهای شهرستان پلدختر بین ۳ تا ۳/۵ بوده که نسبت به سایر نواحی استان (۴/۵ تا ۵) در سطح پایینی قرار دارد. موانع و محدودیت‌های کیفیت زندگی، منابع درآمدی، شرایط نامناسب مسکن، آموزش نامناسب، کمبود موارد بهداشتی و خدمات اجتماعی ساکنان روستایی این شهرستان باعث شده که جمعیت زیادی از خانوارها برای رسیدن به کیفیت زندگی بهتر از مناطق روستایی به شهرها مهاجرت کنند. مهاجرت این افراد به مناطق شهری اثرات منفی مانند کاهش جمعیت روستایی، تخلیه روستاها و افزایش شهرنشینی و حاشیه‌نشینی در شهرها را به دنبال داشته است. از سوی دیگر شناسایی شاخص‌های محرومیت در نواحی روستایی و ارائه راه‌کارهای مناسب در جهت رفع آن، تحقق برنامه‌های محرومیت‌زدایی و توسعه روستایی به ویژه در بعد اقتصادی و پایداری معیشت خانوارهای روستایی ضروری به نظر می‌رسد. از همین روی پژوهش حاضر سعی در تحلیل و بررسی شاخص‌های منطقه‌ای محرومیت روستایی در شهرستان پلدختر دارد. پرسش‌های پژوهش به شرح زیر است. مهم‌ترین شاخص‌های محرومیت روستایی در شهرستان پلدختر کدامند؟ با کدام شاخص‌ها (عینی و یا ذهنی) می‌توان محرومیت روستایی را بهتر ارزیابی کرد؟ و الگوی فضایی ابعاد محرومیت روستایی در این منطقه چگونه است؟

۲- چارچوب نظری

در زمینه محرومیت روستایی با توجه به شاخص‌های منطقه‌ای مطالعه چندانی صورت نگرفته است، ولی برخی از محققین محرومیت در نواحی شهری و روستایی را مورد بررسی قرار داده‌اند مانند جمشیدی و همکاران (۱۳۹۲) که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی عوامل مؤثر بر تله محرومیت در جوامع روستایی پرداخته‌اند. پورطاهری و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با استفاده از دو گروه پرسش‌نامه (سرپرست خانوارها و نخبگان) به ارزیابی میزان محرومیت و بررسی اهمیت ابعاد ذهنی و عینی آن در سطح روستاهای شهرستان جوانرود پرداخته‌اند. اولاداپو سام^۱ (۲۰۱۴) با استفاده از روش مروری به بررسی کاهش فقر و محرومیت پایدار روستایی در نیجریه و از طریق استراتژی‌های توسعه اقتصاد محلی پرداخته‌اند. یوان و وو^۲ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای با استفاده از پنج پارامتر دستمزد، کار، بهداشت، آموزش و کیفیت زندگی به بررسی و سنجش میزان محرومیت روستایی در چین پرداخته‌اند. فو^۳ و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای به بررسی، شناسایی و اندازه‌گیری محرومیت روستایی براساس شرایط اقتصادی و اجتماعی با توجه به نظریه محرومیت نسبی تاونسند پرداخته‌اند. آلیکا^۴ و همکاران (۲۰۱۶) با استفاده از داده‌های سرشماری سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ به بررسی شاخص‌های محرومیت در مناطق کوچک (روستاها) در اسکاتلند پرداخته‌اند. دای میترو^۵ و همکاران (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای به بررسی محرومیت شهری و روستایی در لهستان پرداخته‌اند. ریبرو^۶ و همکاران (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای به بررسی شاخص‌های محرومیت شهری و روستایی تحت نظریه محرومیت تاونسند در پرتغال پرداخته‌اند. چزن و فرونه^۷ (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای با استفاده از داده‌های اندازه‌گیری استانداردهای زندگی با توجه به شاخص‌های محرومیت یونیسف به شناسایی محرومیت شهری و روستایی در بوسنی و هرزگوین پرداخته‌اند. مرور مطالعات حاکی از آن است که کمتر مطالعه‌ای به بررسی تفاوت مناطق از نظر شاخص‌های منطقه‌ای محرومیت پرداخته است. محرومیت پس از جنبش آلماتا^۸ (۱۹۷۰) توسعه یافت و روش‌های آماری مدرن در زمینه اندازه‌گیری آن به وجود آمد (فو و همکاران، ۲۰۱۵: ۲۲۴). در بیشتر مطالعات محرومیت را حالت ناگوار قابل مشاهده و اثبات فرد، خانواده یا گروه در رابطه با جامعه محلی یا جامعه

1. Oladapo Sam
2. Yuan and Wu
3. Fu
4. Allika
5. Dymitrow
6. Ribeiro
7. Chzhen and Ferrone

۸ (Alma Ata) جنبشی در نقاشی پیکرنا در اواخر دهه ۱۹۷۰ در آلمان است. ویژگی محتوایی در کار و رفتار نقاشان این جنبش اعتراضی علیه وضع آلمان آن زمان نهفته بود.



بزرگ‌تر تعریف شده است (پورنت و همکاران، ۲۰۱۲:۲). مفهوم محرومیت در علوم اجتماعی نیز به طور جدی در دهه ۱۹۸۰ به دنبال انتشار مقاله محرومیت تاونسند پذیرفته شد. در طول دهه‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ اقدامات محلی برای رفع محرومیت در بریتانیا، ایالات متحده، استرالیا و نیوزیلند افزایش یافت (رینکن و همکاران، ۱۹۸۵:۲۰). از آن به بعد تلاش‌هایی برای رفع محرومیت منطقه‌ای در بسیاری از کشورها انجام گرفت (سیلبر و همکاران، ۲۰۱۲: ۳۱-۴۵). از دلایل مهم این امر که سکونت‌گاه‌های شهری و روستایی با آن روبه‌رو هستند توزیع نامناسب امکانات و خدمات اجتماعی است (زالی، ۱۳۹۰: ۱۱۱).

نظریات مختلفی در زمینه محرومیت بیان شد. اولین آن‌ها نظریه پیتر تاونسند (۱۹۸۷: ۱۲۵) است. سایر نظریات محرومیت برگرفته از این نظریه است. در نظریه تاونسند محرومیت دارای مفهومی پیچیده، اشکال مختلف و پنهان است (ریبرو و همکاران، ۲۰۱۷: ۱۷). طبق این نظریه مردمی را می‌توان محروم دانست که دسترسی کافی به غذا، لباس، مسکن، سوخت، محیط زیست مطلوب، امکانات آموزشی، کار و شرایط شغلی، فعالیت‌ها و امکانات معمول مورد تأیید جامعه‌ای که به آن تعلق دارند را نداشته باشند (تاونسند، ۱۹۸۷: ۱۳۱). این نظریه به عنوان یک روش شناسایی برای توضیح نابرابری‌ها، تفاوت سلامت، جرم (فو و همکاران، ۲۰۱۵: ۲۲۳)، امکانات آموزشی و بهداشتی (کاواچی و همکاران، ۱۹۹۹: ۷۲۱)، مهاجرت و حاشیه‌نشینی بیان شده و ضمن بیان مفهوم محرومیت، تجزیه و تحلیلی از مسائل نظری مرتبط با آن را نیز ارائه می‌دهد (طولابی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۰). از دیگر نظریات نظریه محرومیت نسبی است. نخستین بار ساموئل استوفر^۱ و همکاران در اثر کلاسیک سرباز آمریکایی (۱۹۴۹) مفهوم محرومیت نسبی را بیان کردند. براساس این مفهوم اگر شخص خودش را با دیگری مقایسه کند، در صورت تفاوت در سطح محرومیتشان، شخص احساس ذهنی متناقضی در ارزیابی از موقعیت دیگری تجربه می‌کند، اگر مقایسه با فردی محروم انجام شود، حالات به وجود آمده محرومیت نسبی نامیده می‌شود (داویس، ۲۰۱۱: ۲۸۳). در حقیقت مقایسه‌های اجتماعی (زمانی و مکانی) به گونه‌ای مبنای نظریه محرومیت نسبی را تشکیل می‌دهد. اندازه‌گیری محرومیت نسبی مقایسه‌ای عینی میان وضعیت فرد یا گروه نسبت به بقیه جامعه است (واکر و اسمیت، ۲۰۰۱: ۱۹۵). شافر (۲۰۰۸) براساس این نظریه محرومیت را تجربه آگاهانه از اختلاف منفی بین انتظارات قانونی و واقعیت‌های حاضر می‌داند (شافر، ۲۰۰۸: ۲۶۷). در این نظریه گاهی اوقات محرومیت با مفهوم بیولوژیکی تناسب اندام مقایسه می‌گردد، جایی که در آن یک موجود

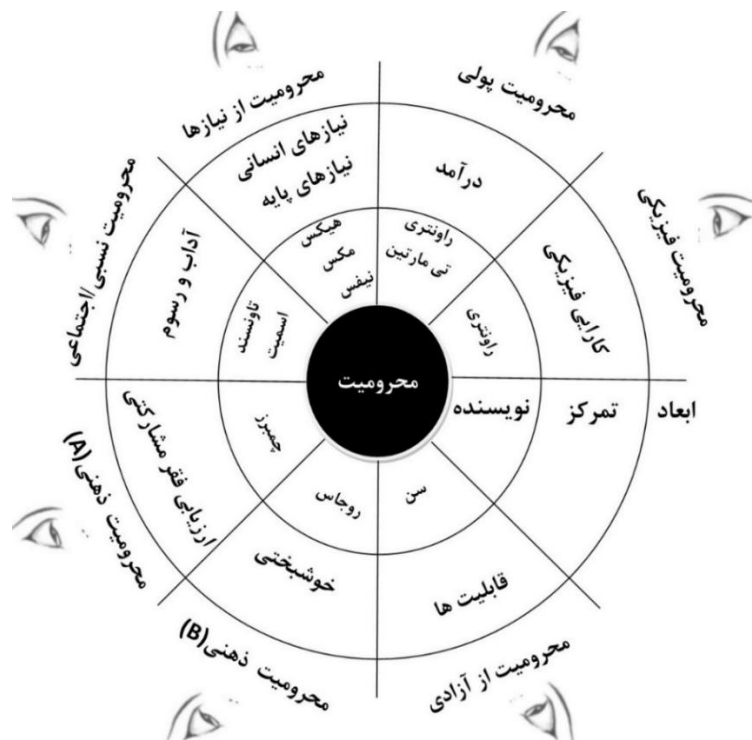
1. Stouffer

زنده به علت مجموعه ژن‌های بیشتر و بهتر نسبت به رقبایشان موفقیت بیشتری دارد (مرتون، ۱۹۳۸:۶۷۳)، یعنی محرومیت را یک امر ژنتیکی و بیولوژیکی می‌داند.

سومین نظریه، محرومیت به عنوان نیازهای انسانی است که در چارچوب تئوری اقتصادی از آغاز قرن هجدهم مورد توجه قرار گرفت. هم‌اینان نیز اولین تعاریف از نیازهای انسانی را ارائه داده‌اند. مثلاً فن هرمان^۱ در سال ۱۸۳۲ واژه نیاز را احساس یک کمبود همراه با کوشش در جهت برطرف کردن آن تعریف می‌کند (رفیع‌پور ۱۳۷۴: ۳۵). تأکید این نظریه بیشتر به منظور رفع نیازهای اساسی تا ریشه‌کن کردن کلی محرومیت است. در این دیدگاه نیازهای اساسی شامل موارد مختلفی است. به عنوان مثال سیبوم راونتری^۲ (۲۰۰۰) و صلاح مارتین^۳ (۲۰۰۶) شاخص پولی را وسیله‌ای برای بیان شناخت معنای محرومیت (به عنوان ناکارآمدی فیزیکی) در اقتصاد نقدی در نظر می‌گیرند که در آن دسترسی به نیازهای اساسی از طریق پول حاصل می‌شود. آنها محرومیت از نیازهای فیزیکی و غیرفیزیکی را وارد گفتمان محرومیت نمودند. تاونسند (۱۹۷۸) و اسمیت^۴ (۲۰۰۷) بر این باورند که نیازهای رفع محرومیت متفاوت است و از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت و در طول زمان و فضا معتبر هستند، درحالی که عدم وجود این نیازها به فقر مطلق تبدیل می‌شوند. آنها بر ویژگی‌های فردی محرومیت تأکید دارند. چمبرز^۵ (۱۹۹۵) و روجاس^۶ (۲۰۰۸) براساس فقر مشارکتی و محرومیت ذهنی، فقر را به عنوان نوعی از محرومیت اجتماعی و روان‌شناختی در نظر گرفتند که در آن تنها افراد و خود شخص توانایی ارزیابی میزان رفاه خود را دارند. آنها نیازهای اساسی را ذهنی می‌داند و معتقدند که محرومیت بیشتر شامل ابعاد ذهنی و فقر در برگیرنده ابعاد عینی است. آمارتیا سن^۷ (۱۹۹۹) خط‌مشی جدیدی را در گفتمان فقر و محرومیت به عنوان محرومیت از قابلیت‌های اساسی و نه صرفاً به عنوان ضعف درآمد معرفی کرد. او در زمینه توانایی‌های یک فرد برای دستیابی به فرصت‌های واقعی به مجموعه‌ای از عملکردها اشاره می‌کند. به عنوان مثال برخی از این عملکردها شامل تغذیه خوب، تحصیلات مناسب و غیره است. منظور از ارتقا عملکردها و افزایش آزادی برای یک زندگی ارزشمند است. در این نظریه فقر به شرایط محرومیت از آزادی‌ها اشاره دارد. ابعاد محرومیت در شکل ۱ براساس نظریات مختلف این رویکرد از نیازها نشان داده شد. چشم‌هایی که در شکل ترسیم شده نمایانگر نگاه فقرا و محرومین به نیازهای

1. Fan Herman
2. Rowntree
3. Sala-I-Martin
4. Smith
5. Chambers
6. Rojas
7. Amartya Sen

مختلف برای رفع محرومیت است. با در نظر گرفتن نظرات مختلف می‌توان گفت که محرومیت یک پدیده غیرقابل انعطاف و پیچیده است که برای کاهش و مقابله با آن رویکرد چندبعدی مورد نیاز است.



شکل ۱ نظریات مختلف در مورد محرومیت از نیازها (منبع: ترسیم نگارنده، براساس دیدگاه‌های (راونتر، ۲۰۰۰)؛ صلاح مارتین (۲۰۰۶)؛ هیگس و استتن (۱۹۷۹)؛ مکس نیف و همکاران (۱۹۸۹)؛ تاونسند (۱۹۷۹)؛ اسمست (۲۰۰۷)؛ روحاس (۲۰۰۸)؛ سن (۱۹۹۹))

باید توجه داشت که اصطلاح فقر و محرومیت نیز با همدیگر تفاوت دارند. برای بعضی‌ها اصطلاح محرومیت به معنای فقر محسوب می‌شود در صورتی که این‌گونه نیست و بیشتر محققان بر تفاوت این دو تأکید داشته‌اند.

بسیاری از محققان معتقدند که فقر منعکس‌کننده محدوده‌ای از اقدامات پولی صرفاً یک بعدی (تک بعدی) است و اشاره به فرصت‌ها، انتخاب و حقوق دارد، ولی محرومیت دارای مفهومی پیچیده، اشکال مختلف و پنهان است که اشاره به فقدان عوامل مهمی مانند امکانات آموزشی، فرهنگی، سلامت، رفاه، مسکن، حمل و نقل، خدمات و غیره دارد (ریبرو و همکاران، ۲۰۱۷: ۱۷). از نظر تاونسند (۱۹۸۷: ۱۲۵) فقر یک حاشیه مالی است و کمبود منابع مالی را

می‌توان به عنوان زندگی در فقر در نظر گرفت و محرومیت زمانی است که مردم به صورت تمام یا به اندازه کافی امکانات رفاهی، استانداردها و خدمات را برای شرکت و نقش‌آفرینی در جامعه‌ای که در آن عضویت دارند را نداشته باشند. با این حال فقر و محرومیت به عنوان علت و نتیجه به یکدیگر متصل هستند (تاونسند، ۱۹۸۷: ۱۲۵). در اتحادیه اروپا فقر به عنوان یک مفهوم علمی از لحاظ درآمد کم و محرومیت به عنوان نقطه‌ای تعریف می‌شود که منابع به نحو جدی پایین‌تر از آنچه فرد یا خانواده برای یک زندگی استاندارد نیاز دارند (گوردن، ۲۰۰۳: ۱۷۹). مطیعی لنگرودی (۱۳۹۶) معتقد است فقر و محرومیت دو مقوله جدا از هم است. فقر زاده تفکر و اندیشه، عدم توانمندی و ضعف فردی است و انسانی که در این زمینه‌ها فقیر باشد، فقیر باقی خواهد ماند، ولی محرومیت کاستی‌ها و تنگناهایی است که در زندگی اغلب انسان‌ها وجود دارد و نسبی است. از نظر بلنی و د‌آمرزیو^۱ (۲۰۱۱) محرومیت یک مفهوم جامع از فقر است که شامل کل کیفیت زندگی و مجموعه قابلیت‌های یک فرد و اطلاعات مربوط به مجموعه‌ای از کارکردهاست که یک فرد می‌تواند به آن‌ها دسترسی داشته باشد. مه‌ادوان و هوانگ^۲ (۲۰۱۶) معتقدند که فقر و محرومیت دو مقوله جداگانه است که به شدت با یکدیگر در ارتباط هستند. آنان نشان می‌دهند که درآمد یک عامل تعیین‌کننده و مهم در سنجش فقر و محرومیت شامل عدم دسترسی به منابع (جمعی) است. برتود و برایان^۳ (۲۰۱۱) ضمن تأیید تفاوت فقر و محرومیت، ارتباط نزدیک بین کمبود درآمدهای بلند مدت و محرومیت طولانی مدت را پیدا کردند. آن‌ها معتقد هستند که فقر و محرومیت متفاوت از همدیگر بوده، ولی با یکدیگر رابطه متقابل دارند. بعضی از دیدگاه‌ها فقر را به عنوان یک مفهوم چندبعدی جایگزین محرومیت و برعکس می‌کنند. آن‌ها معتقدند که تمایزی جدی بین محرومیت و وضعیت اجتماعی-اقتصادی (فقر) وجود دارد که توسط عواملی مانند قومیت، تحصیلات، سن، شغل یا نوع خانواده تعریف می‌شود؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که فقر و محرومیت دو مقوله جدا از هم می‌باشند. فقر می‌تواند باعث محرومیت شود و پیش‌زمینه محرومیت به حساب می‌آید، ولی این دو با هم در ارتباط متقابل قرار دارند. فقر بیشتر مربوط به شاخص‌ها و متغیرهای فردی است، در حالی که محرومیت علاوه بر کمبود متغیرهای فردی به کمبود متغیرهای اجتماعی (جمعی) نیز تأکید دارد.

لازم به ذکر است که شاخص‌ها و پارامترهای محرومیت از کشوری به کشور دیگر و از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت است (طولابی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۱). اولین شاخص‌های محرومیت

1. Bellani and D'Ambrosio
2. Mahadevan and Hoangb
3. Berthoud and Bryan

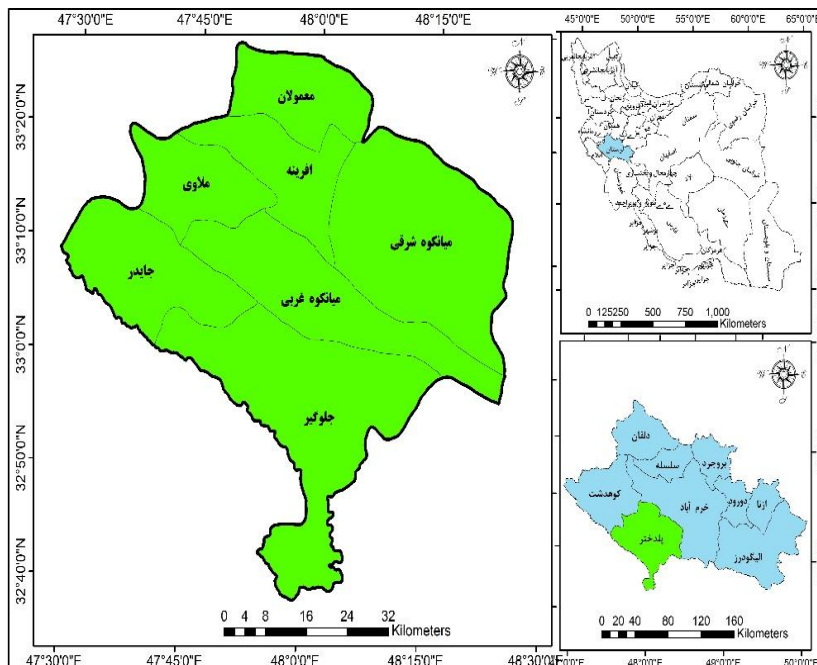


توسط کارس تاريس و تاونسند^۱ در اوایل دهه ۱۹۷۰ در انگلستان توسعه یافت. به دنبال آن شاخص‌های دیگری در اروپا و آمریکای شمالی توسعه یافت (ماری دل‌المو و همکاران، ۲۰۱۲: ۳۵۷). در فرانسه روش ترکیبی از شاخص‌ها مانند تراکم خانوار، سیستم گرمایشی، مالکیت مسکن، بیکاری، مالکیت ماشین، مهارت، آموزش، یخچال فریزر و تلویزیون رنگی ارائه شد (پورنت و همکارانف ۲۰۱۲: ۶). در آمریکا ۲۱ شاخص تحصیلات، آموزش، بهداشت، اجاره خانه، مالکیت مسکن، کیفیت مسکن، کارگران ماهر، درآمد، نیروی کار، توزیع درآمد، مالیات، رفاه اجتماعی، تعداد خانوارهای زیر خط فقر، میزان دریافت کمک‌های عمومی، بیمه، حمل و نقل، مالکیت خودرو، دسترسی به خط تلفن، آب لوله‌کشی، تعداد متوسط اتاق هر خانوار و تعداد خانوارهای تک فرزندی برای سنجش محرومیت در نظر گرفته شد (سینگ و همکارانف ۲۰۱۳: ۳۹۰). در آفریقای جنوبی از پنج پارامتر دستمزد، کار، بهداشت، آموزش، و کیفیت زندگی استفاده شد (نوبل و رایت، ۲۰۱۲: ۱۸۹). شاخص‌های مشابه در بسیاری از نقاط جهان به طور عمده در کشورهای اروپایی، استرالیا، نیوزیلند و کانادا مورد استفاده قرار گرفت (پامپالون و همکاران، ۲۰۱۲: ۱۸). این شاخص‌ها به دو دسته ابعاد عینی (مانند آموزش، سلامت، مسکن و غیره) و ذهنی (مانند اوقات فراغت، حمایت و ارتباطات اجتماعی، احساس امنیت و کیفیت زندگی) تقسیم شد (سینگ و سارکار، ۲۰۱۵: ۴۶). در ایران با این‌که سکونت روستایی و مدیریت آن پیشینه‌ای به قدمت یکجانشینی در کره زمین دارد (سوادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۶)، ولی شاخص استاندارد برای اندازه‌گیری محرومیت به تصویب نرسیده است (طولابی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۱). هریک از محققان با توجه به اهداف تحقیق خود از شاخص‌های مختلفی استفاده نموده‌اند. در این مطالعه نیز با توجه به مطالعات قبلی از ترکیبی از شاخص‌ها برای سنجش محرومیت استفاده شد.

۳- روش‌شناسی تحقیق

منطقه مورد مطالعه روستاهای شهرستان پلدختر است. این شهرستان هفت دهستان و جمعیتی بالغ بر ۷۳،۷۴۴ نفر دارد. از این تعداد ۳۹،۳۳۸ نفر (۱۱،۲۸۹ خانوار) در ۲۲۶ روستای دارای سکنه زندگی می‌کنند. این شهرستان در ۱۰۰ کیلومتری جنوب خرم‌آباد و مرز بین استان‌های لرستان، خوزستان و ایلام قرار گرفته و دارای دو بخش است. بخش مرکزی دارای چهار دهستان به مرکزیت پلدختر و بخش معمولان دارای سه دهستان با مرکزیت معمولان است (شکل ۲).

1. Car stairs and Townsend



شکل ۲ نقشه موقعیت منطقه مورد مطالعه

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و روش انجام آن توصیفی-تحلیلی است. مطالعات نظریه‌ای از طریق روش اسنادی، برخی از داده‌ها از طریق مرکز آمار ۱۳۹۵ و سالنامه آماری استان لرستان (۱۳۹۴) گردآوری شد. سایر داده‌ها نیز از طریق پرسش‌نامه (طیف لیکرت) و مصاحبه گردآوری شد. سطوح و مقیاس داده‌ها ترتیبی و فاصله‌ای بوده و توزیع متغیرها نرمال بودند. جامعه آماری، خانوارهای روستایی شهرستان پلدختر است ($N=11289$). برای تعیین حجم نمونه در مرحله اول با استفاده از فرمول کوکران ۳۷۹ خانوار انتخاب شد که برای اطمینان بیشتر ۴۰۰ نمونه برای کل شهرستان در نظر گرفته شد. برای مشخص کردن تعداد نمونه هر دهستان (براساس تعداد خانوار) با استفاده از فرمول حجم نمونه و به روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای تعیین گردید. به عنوان مثال حجم نمونه دهستان جایدرد به صورت رابطه (۱) و رابطه (۲) محاسبه شد.

$$\text{رابطه (۱)} \quad \text{تعداد پرسشنامه} \times \frac{\text{تعداد خانوار دهستان}}{\text{کل خانوارها}} = \text{تعداد نمونه هر دهستان}$$

$$\text{رابطه (۲)} \quad \text{تعداد نمونه دهستان جایدرد} = \frac{3090}{11289} \times 400 \approx 109.59 = 110$$



تعداد نمونه سایر دهستان‌ها نیز به همین صورت تعیین شد. در مرحله بعدی از تعداد ۲۲۶ روستای دارای سکنه شهرستان پلدختر ۶۰٪ روستاهای منطقه (۱۳۶ روستا) انتخاب شد. انتخاب این ۱۳۶ روستا تصادفی ساده انجام گرفت. در نهایت برای مشخص کردن تعداد پرسش‌نامه هر یک از روستاها (با توجه به سهم هر دهستان) نیز از طریق فرمول بالا مشخص گردید (جدول ۱).

جدول ۱ ویژگی‌های جمعیتی و تعداد نمونه دهستان‌های شهرستان پلدختر

بخش	دهستان	تعداد روستا	خانوار	جمعیت	تعداد نمونه	
					روس تا	خانوار
مرکزی	جایدر	۲۶	۳۰۹۳	۱۰۸۰۳	۱۷	۱۱۰
	جلوگیر	۲۰	۱۰۷۵	۳۸۹۶	۱۳	۳۸
	ملاوی	۲۵	۲۵۴۳	۸۴۸۹	۱۶	۹۰
	میانکوه غربی	۴۳	۶۷۴	۲۴۳۴	۲۲	۲۴
معمولان	افرینه	۴۰	۱۹۳۱	۶۸۹۳	۲۴	۶۸
	میانکوه شرقی	۴۱	۱۰۴۶	۳۷۴۶	۲۵	۳۷
	معمولان	۳۱	۹۲۷	۳۰۷۷	۱۹	۳۳
جمع	۷	۲۲۶	۱۱۲۸۹	۳۹۳۳۸	۱۳۶	۴۰۰

منبع: مرکز آمار، ۱۳۹۵ و یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

جهت شناسایی شاخص‌های مهم محرومیت از آزمون رتبه‌ای هم‌انباشتگی نامحدود اکتشافی^۱ (روش جوهانسن^۲) در نرم‌افزار *Eviews* نسخه ۹ استفاده شد. در این آزمون با توجه به مقادیر ویژه (مقدار عددی)، ضمن شناسایی و اکتشاف شاخص‌ها مهم می‌توان آن‌ها را رتبه‌بندی کرد. برای ارزیابی شاخص‌های عینی و ذهنی محرومیت از آزمون t تک‌نمونه‌ای برای بررسی تفاوت مناطق روستایی از نظر شاخص‌های محرومیت آزمون‌های تعقیبی تحلیل واریانس (*Post-Hoc*) *Anova* در نرم‌افزار اسپاس نسخه ۲۲ و برای ارائه الگوی فضایی از سیستم اطلاعات جغرافیا استفاده شد. روایی پرسش‌نامه با استفاده از روایی محتوا سنجیده و مورد تأیید قرار گرفت که توسط افرادی متخصص در موضوع مورد مطالعه تعیین می‌شود. به منظور سنجش

1. Unrestricted Cointegration Rank Test (Trace)

2. Johansen

پایایی از یک نمونه اولیه شامل ۳۵ پرسش‌نامه پیش‌آزمون گرفته شد و میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ^۱ محاسبه شد. آلفای به دست آمده کل ۰/۸۴ است که بالاتر از ۰/۷۰ است؛ بنابراین می‌توان گفت که مقیاس از پایایی قابل قبولی برخوردار است (جدول ۲).

جدول ۲ میزان آلفای محاسبه شده برای هر یک از ابعاد محرومیت روستایی

آلفای کرونباخ	ابعاد
۰/۷۹	اقتصادی
۰/۷۸	اجتماعی
۰/۸۳	سیاسی
۰/۸۰	فرهنگی
۰/۸۶	محیطی - کالبدی
۰/۸۴	پایایی کل

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

برای سنجش محرومیت روستایی در منطقه سعی شد از ترکیبی از شاخص‌های موجود در پیشینه تحقیق استفاده شود که مرتبط با جوامع روستایی است. روایی این شاخص‌ها توسط استادان علوم اجتماعی و جغرافیایی روستایی تأیید و در دو بعد عینی و ذهنی مشخص شد (جدول ۳).

جدول ۳ ابعاد، شاخص‌ها و نماگرهای محرومیت

ابعاد	شاخص	گویه و نماگر
اقتصادی	درآمد و پس‌انداز	دسترسی به درآمد مناسب، * رضایت از میزان درآمد، متوسط درآمد خانوار، وجود زمینه پس‌انداز، سرانه میزان پس‌انداز خانوار در طول سال، میزان تنوع فعالیت‌های درآمدی
	مالکیت	مالکیت املاک و وسائل، مالکیت دام، مالکیت زمین، مالکیت وسیله نقلیه شخصی
	اشتغال	اشتغال، نرخ بیکاری، * احساس امنیت شغلی، * رضایت شغلی، فرصت شغلی مناسب
	مسکن	مسکن شخصی، کمبود فضای واحد مسکونی، * کیفیت مسکن، * رضایت از معماری مسکن، دسترسی به امکانات و لوازم مسکن، برخورداری واحد مسکونی از امکانات (سرمایشی و گرمایشی)، میزان کاربرد مصالح بادوام (اسکلت فلزی و یا سیمانی)

1. Cronbach's alpha

۲ ابعاد ذهنی با علامت * مشخص شده‌اند.



امنیت غذایی	دسترسی خانوار به غذای با کیفیت، تنوع رژیم غذایی، دسترسی به گوشت، ماهی و مرغ و گوشت قرمز در طول هفته، میزان مصرف میوه و سبزیجات در طول هفته	
آموزشی	دسترسی به امکانات آموزشی، *مهارت، *آموزش، میزان باسوادی، *میزان کیفیت آموزش و پرورش (وضعیت فضاهای آموزش و مهارت معلمان)، دسترسی به فضاهای آموزشی (دبستان، راهنمایی و دبیرستان)	اجتماعی
بهداشت و درمان	دسترسی به خدمات بهداشتی، *کیفیت امکانات بهداشتی و درمانی، نسبت جمعیت به امکانات بهداشتی، فاصله تا اولین مرکز درمانی، خانوارهای تحت پوشش بیمه درمانی، دسترسی به حمام بهداشتی	
رفاهی	دسترسی به خدمات رفاهی زندگی، دسترسی به امکانات تفریحی و اوقات فراغت، *تفریح و مسافرت مناسب (سه بار در ماه)، * رضایت از امکانات تفریحی، *تمایل به مهاجرت از روستای محل زندگی به علت نبود امکانات رفاهی	
ارتباطات و امور اجتماعی	*مشارکت در فعالیتهای عمرانی روستا، * مشارکت در فعالیتهای اجتماعی روستا، *ناتوانی در دفاع از حق خود، * رابطه خوب با همسایگان و اهالی روستا، * ملاقات دوستان یا بستگان کمتر از یک بار در ماه	
کیفیت زندگی	* احساس خوشبختی و رضایت از زندگی، * انگیزه برای بهبود وضعیت خود، * احساس وجود حس محرومیت در خود، * امید به بهتر شدن آینده، * انگیزه برای بهبود وضعیت خود، *سطح کیفیت زندگی	
مشارکت سیاسی	*شرکت در انتخابات شورای روستایی، * شرکت در انتخابات مجلس، * شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، شورای حل اختلاف	
امنیت عمومی	پاسگاه نیروی انتظامی، * نزاع و کشمکش با دیگران، امنیت عمومی،	
حقوق قومیت‌ها محلی	پوشش مناسب رسانه‌ای، *عادت‌ها و روش‌های قومی - قبیله‌ای، مجلات و بروشورهای مفید به زبان محلی، پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیون به زبان‌های محلی	
زیرساخت فرهنگی	دسترسی به سالن ورزشی، دسترسی به اینترنت، دسترسی به مسجد، بوستان روستایی یا پارک کودک، کتابخانه عمومی، برگزاری کلاس‌های فرهنگی - آموزشی	محیطی - کالبدی
تجهیزات	برق روستایی (شبکه سراسری)، آب آشامیدنی بهداشتی، دسترسی به خط تلفن، دسترسی به گاز شهری، دسترسی به حمام	
محیط زیست	دسترسی به سوخت، مدیریت زباله و پسماند، زیبایی و جذابیت محیط، آلودگی محیط زیست، * رضایت از کیفیت محیط	
شبکه معابر روستا	جدول کشی معابر، طرح هادی روستایی، شبکه دفع فاضلاب، سنگفرش معابر روستا، *عدم رضایت از امکانات و خدمات عمومی	

شبکه حمل و نقل، راه آسفالت، مرکز خدمات کشاورزی، مرکز بهداشت روستایی، مراکز آموزشی مناسب (مدرسه و غیره)	زیرساخت‌ها
--------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------

منبع: بورطاهری و همکاران (۱۳۹۳)؛ یوان و یو (۲۰۱۲)؛ نوبل و وایت (۲۰۱۲)؛ پورنت و همکاران (۲۰۱۲)؛ مکس‌لنن (۲۰۱۱)؛ فیت (۲۰۱۷)؛ آلیکا (۲۰۱۶)

۴- یافته‌های تحقیق

توزیع فراوانی پاسخ‌گویان براساس ویژگی‌های فردی و با توجه به یافته‌های جدول ۴ نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی گروه سنی، بین ۴۱ تا ۵۰ سال، با ۵۴/۷۵ درصد، از نظر تحصیلات بیشترین پاسخ‌گویان دارای مدرک ابتدایی، و ۹۳/۲۵ درصد آن‌ها مرد بوده‌اند. از نظر اشتغال ۴۸/۲۵ درصد پاسخ‌گویان کشاورز بوده است. از نظر تأهل از ۴۰۰ پاسخ‌گو، ۳۹۶ نفر متأهل و بقیه مجرد بوده‌اند.

جدول ۴ توزیع فراوانی جمعیت مورد مطالعه

مشخصات پاسخ‌دهنده	بیشترین پاسخ‌گو	تعداد پاسخ‌گو	درصد
سن	۴۱ تا ۵۰ سال	۲۱۹	۵۴/۷۵
تحصیلات	ابتدایی	۱۹۸	۴۹/۵
جنسیت	مرد	۳۷۳	۹۳/۲۵
تأهل	متأهل	۳۹۶	۹۹
شغل اصلی	کشاورز	۱۹۳	۴۸/۲۵

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

۴-۱- بررسی شاخص‌های محرومیت روستایی

برای بررسی شاخص‌های محرومیت روستایی و پاسخ به پرسش اول پژوهش از آزمون رتبه‌ای هم‌انباشتگی نامحدود اکتشافی (روش جوهانسن) استفاده شد. بررسی شاخص‌های محرومیت اقتصادی با توجه به مقادیر ویژه و سطح معنی‌داری نشان می‌دهد که بیشترین میزان محرومیت اقتصادی مربوط به شاخص درآمد و پس‌انداز (۰/۱۶۴) بوده و خانوارها از نظر منابع درآمدی در سطح پایینی قرار دارند. دلایل اصلی این امر به عدم دسترسی به شغل مناسب، عدم وجود زمینه پس‌انداز و تنوع فعالیت‌های درآمدی است. از حیث شاخص مالکیت (۰/۱۲۰) و مسکن (۰/۱۱۴) که وابستگی زیادی به شرایط درآمدی افراد دارد، خانوارهای روستایی در وضعیت محرومی به سر می‌برند. از نظر شاخص‌های اشتغال (۰/۰۹۶) و امنیت غذایی (۰/۰۶۹) خانوارها در شرایط به نسبت بهتری قرار دارند. با این حال که دسترسی مناسبی به غذا دارند، ولی این مواد غذایی کیفیت چندانی ندارد. این برآوردها حاکی از شرایط نامناسب اقتصادی آن‌ها دارد (جدول ۵).



جدول ۵ شاخص‌های اقتصادی محرومیت

شاخص	مقادیر ویژه (عددی)	آماره	معنی‌داری	رتبه
درآمد و پس‌انداز	۰/۲۱۹**	۲۱۹/۵۱۶	۰/۰۰۰	۱
مالکیت	۰/۱۲۰**	۱۶۸/۷۰۲	۰/۰۰۰	۲
مسکن	۰/۱۱۴**	۱۱۶/۷۷۶	۰/۰۰۰	۳
اشتغال	۰/۰۹۶*	۶۸/۶۴۴	۰/۰۰۰	۴
امنیت غذایی	۰/۰۶۹*	۲۸/۴۸۴	۰/۰۰۰	۵
آزمون اکتشافی تحلیلی ۵ آیتم همجمعی (S) در سطح ۰/۰۰۱				
° نشان‌دهنده رد فرضیه صفر در سطح ۰/۰۰۵				
** معنی‌داری آزمون مک‌کوبین-هاگ-میشل (۱۹۹۹)				

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

بررسی شاخص‌های اجتماعی محرومیت نشان می‌دهد که شاخص‌های آموزشی (۰/۱۴۷) و بهداشتی (۰/۱۲۷) و رفاهی (۰/۱۱۴) در سطح پایینی قرار گرفته‌اند. بیشترین میزان محرومیت اجتماعی مربوط به این سه شاخص‌ها است. دلایل اصلی این امر به عدم دسترسی به امکانات آموزشی، آموزش پایین، کیفیت پایین آموزش (عدم کیفیت فضاهای آموزشی و عدم مهارت معلمان)، عدم کیفیت امکانات بهداشتی، عدم دسترسی به خدمات رفاهی و امکانات تفریحی برمی‌گردد. از لحاظ محرومیت اجتماعی ذکر این نکته حائز اهمیت است که موارد بهداشتی، آموزشی و رفاهی از اصول مهم و اولیه مورد نیاز هر جامعه است که با پیشرفت نیروی انسانی در ارتباط است. توجه به این شاخص‌ها باید در اولویت برنامه‌های توسعه روستایی قرار گیرد. شاخص‌های ارتباطات و امور اجتماعی (۰/۰۸۲) و کیفیت زندگی (۰/۰۸۳) نیز با این که در سطح پایینی قرار دارند، ولی با توجه به میزان مناسب سرمایه اجتماعی در روستاها، میزان ارتباطات اجتماعی نسبت به سایر شاخص‌ها در وضعیت بهتری قرار دارد (جدول ۶).

جدول ۶ شاخص‌های اجتماعی محرومیت

شاخص	مقادیر ویژه (عددی)	آماره	معنی‌داری	رتبه
آموزشی	۰/۱۴۷**	۲۳۳/۱۸۹	۰/۰۰۰	۱
بهداشت و درمان	۰/۱۲۷**	۱۷۰/۲۲۲	۰/۰۰۰	۲
رفاهی	۰/۱۱۴**	۱۱۶/۴۸۱	۰/۰۰۰	۳
کیفیت زندگی	۰/۰۸۳*	۶۸/۳۲۸	۰/۰۰۰	۴
ارتباطات و امور اجتماعی	۰/۰۸۲*	۳۳/۸۷۴	۰/۰۰۰	۵
آزمون اکتشافی تحلیلی ۵ آیتم همجمعی (S) در سطح ۰/۰۰۱				
° نشان‌دهنده رد فرضیه صفر در سطح ۰/۰۰۵				
** معنی‌داری آزمون مک‌کوبین-هاگ-میشل (۱۹۹۹)				

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

بررسی شاخص‌های سیاسی- فرهنگی نشان می‌دهد که شاخص حقوق قومیت‌ها و اقلیت‌ها (۰/۱۶۴) در سطح پایینی قرار دارد. تعداد اندک پخش برنامه‌ها به زبان محلی و عدم پوشش مناسب رسانه‌ای دلیل اصلی آن است. مشارکت سیاسی (۰/۰۷۰) و امنیت عمومی (۰/۰۷۲) در حد مطلوبی قرار دارند. با این حال مقدار ویژه آزمون (جوهانسون) شاخص امنیت عمومی در سطح پایینی قرار دارد. دلیل اصلی پایین بودن این شاخص سرقت از خانوارهای دامدار بوده که موجب شده پاسخ‌گویان نمرات پایینی را برای این شاخص در نظر گیرند. مشارکت سیاسی در سطح مطلوبی بوده و بیشتر خانوارها معتقد بودند که در فعالیت‌های سیاسی مانند انتخابات شرکت نموده، اکثر روستاهای منطقه مورد مطالعه نیز دارای شورای حل اختلاف می‌باشند. مجموع این برآوردها حاکی از شرایط به نسبت مناسب این بعد است. در زمینه زیرساخت‌های فرهنگی (۰/۱۲۰) نیز دسترسی نداشتن به سالن‌های ورزشی و اینترنت، نبود بوستان روستایی و کتابخانه در روستاها باعث شده که از این نظر روستاها در شرایط محرومی قرار گیرند (جدول ۷).

جدول ۷ شاخص‌های سیاسی- فرهنگی محرومیت

شاخص	مقادیر ویژه (عددی)	آماره	معنی‌داری	رتبه
امنیت عمومی	۰/۰۷۱*	۷۲/۲۸۵	۰/۰۰۰	۳
زیرساخت‌های فرهنگی	۰/۱۲۰**	۱۲۱/۶۱۰	۰/۰۰۰	۲
حقوق قومیت‌ها و اقلیت‌ها	۰/۱۶۴**	۲۳۸/۹۰۷	۰/۰۰۱	۱
مشارکت سیاسی	۰/۰۷۰*	۷۰/۷۴۰	۰/۰۰۰	۴
آزمون اکتشافی تحلیلی ۴ آیتم همجمعی (S) در سطح ۰/۰۰۱				
° نشان‌دهنده رد فرضیه صفر در سطح ۰/۰۰۵				
** معنی‌داری آزمون مک کوبین-هاگ-میشل (۱۹۹۹)				

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

بررسی شاخص‌های محرومیت محیطی- کالبدی حکایت از محروم بودن روستاهای منطقه دارد. بیشترین میزان محرومیت مربوط به زیرساخت‌های روستایی (۰/۱۶۰) بوده است. دلایل اصلی این امر عدم دسترسی به شبکه حمل و نقل به ویژه روستاهای کوهستانی نبود مرکز بهداشتی و پایین بودن کیفیت فضاهای آموزش است. در روستاهای دهستان‌های میانکوه غربی و میانکوه شرقی، معمولان و افرینه به دلیل نبود زیرساخت‌های حمل و نقل و جاده‌های روستایی برای انتقال مصالح ساختمانی، تعداد زیادی از خانوارها که بیشتر دامدار هستند در خانه‌هایی نامناسب و در برخی روستاها کپرنشینی زندگی می‌کنند. از نظر شاخص محیط زیست

(۰/۱۳۵) و شبکه معابر (۰/۱۰۲) نیز روستاهای منطقه در شرایط نامناسبی قرار دارند. عدم دسترسی به سوخت و استفاده بی‌رویه از هیزم و قطع درختان برای پخت و پز و گرمایش، عدم مدیریت زباله و پسماند، عدم جدول‌کشی معابر، عدم وجود شبکه دفع فاضلاب روستایی دلیل مهم این امر است. از لحاظ شاخص تجهیزات روستایی (۰/۰۷۸) با این‌که اکثر روستاها دارای برق روستایی (شبکه سراسری)، آب آشامیدنی بهداشتی هستند، ولی در زمینه دسترسی به خط تلفن و گاز در وضعیت محرومی قرار دارند. به همین دلیل بیشتر روستاهای کوهستانی به ویژه در دهستان میانکوه شرقی برای گرمایش مسکن و پخت و پز از هیزم و قطع کردن درختان استفاده می‌کنند (جدول ۸).

جدول ۸ شاخص‌های محیطی - کالبدی محرومیت

شاخص	مقادیر ویژه (عددی)	آماره	معنی‌داری	رتبه
تجهیزات	۰/۰۷۸*	۳۲/۱۷۴	۰/۰۰۰	۴
محیط زیست	۰/۱۳۵**	۱۳۲/۱۷۰	۰/۰۰۰	۲
شبکه معابر	۰/۱۰۲**	۷۴/۷۵۳	۰/۰۰۰	۳
زیرساخت‌ها	۰/۱۶۰**	۲۰۱/۴۳۰	۰/۰۰۰	۱
آزمون اکتشافی تحلیلی ۴ آیتم همجمعی (S) در سطح ۰/۰۰۱				
° نشان‌دهنده رد فرضیه صفر در سطح ۰/۰۰۵				
** معنی‌داری آزمون مک‌کوین-هاگ-میشل (۱۹۹۹)				

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

در کل می‌توان گفت که از بین هیجده شاخص در نظر گرفته شد، یازده شاخص (جدول ۹) در سطح پایینی قرار دارند. معنی‌داری آزمون مک‌کوین-هاگ-میشل (۱۹۹۹) نیز پایین بودن وضعیت خانورها در زمینه این شاخص را تأیید می‌کند. از این یازده شاخص سه شاخص درآمد و پس‌انداز، مالکیت و مسکن مربوط به محرومیت اقتصادی، سه شاخص آموزشی، بهداشتی و خدمات رفاهی مربوط به محرومیت اجتماعی، دو شاخص زیرساخت‌های فرهنگی و حقوق قومیت‌ها مربوط به محرومیت سیاسی- فرهنگی و سه شاخص محیط زیست، شبکه معابر و زیرساخت‌ها مربوط به بعد محیطی- کالبدی بوده است. شاخص درآمد و پس‌انداز از میان این یازده شاخص با ضریب ۰/۲۱۹ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ نسبت به سایر شاخص‌ها در وضعیت نامطلوبی قرار دارد و شاخص مهم محرومیت روستایی در منطقه مورد مطالعه است؛ بنابراین و با توجه به این تقاسیر پرسش اول پژوهش پاسخ داده شد.

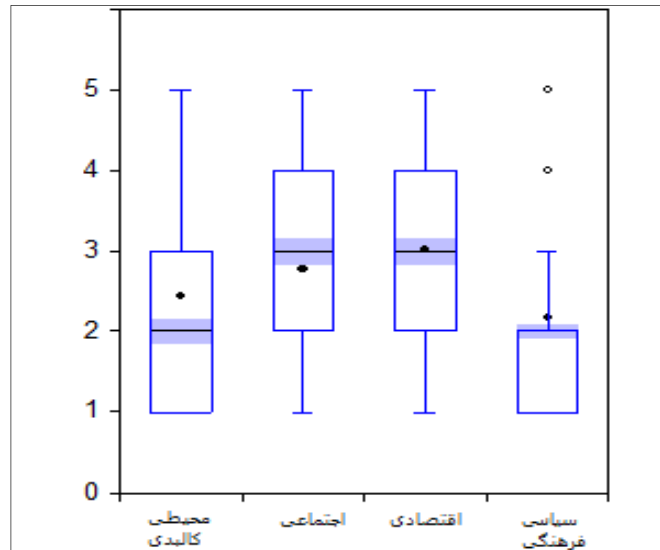
جدول ۹ شاخص‌های مهم محرومیت روستایی

ابعاد محرومیت	شاخص	مقادیر ویژه	آماره	معنی‌داری	رتبه
---------------	------	-------------	-------	-----------	------

۱	۰/۰۰۰	۲۱۹/۵۱۶	۰/۲۱۹**	درآمد و پس‌انداز	اقتصادی
۷	۰/۰۰۰	۱۶۸/۷۰۲	۰/۱۲۰**	مالکیت	
۹	۰/۰۰۰	۱۱۶/۷۷۶	۰/۱۱۴**	مسکن	
۲	۰/۰۰۰	۲۱۳/۱۸۹	۰/۱۷۴**	آموزش	اجتماعی
۶	۰/۰۰۰	۱۷۰/۲۲۲	۰/۱۲۷**	بهداشت	
۱۰	۰/۰۰۰	۱۱۶/۴۸۱	۰/۱۱۴**	رفاهی	
۸	۰/۰۰۰	۱۲۱/۶۱۰	۰/۱۲۰**	زیرساخت‌های فرهنگی	سیاسی-فرهنگی
۳	۰/۰۰۱	۲۰۹/۹۰۷	۰/۱۶۴**	حقوق قومیت و اقلیت‌ها	
۵	۰/۰۰۰	۱۳۲/۱۷۰	۰/۱۳۵**	محیط زیست	محیطی-کالبدی
۱۱	۰/۰۰۰	۷۴/۷۵۳	۰/۱۰۲**	شبکه معابر	
۴	۰/۰۰۰	۲۰۱/۴۳۰	۰/۱۶۰**	زیرساخت‌ها	
آزمون اکتشافی تحلیلی ۱۱ آیتم همجمعی (S) در سطح ۰/۰۰۱					
** معنی‌داری آزمون مک کوبین-هاگ-میشل (۱۹۹۹)					

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

همچنین بررسی ابعاد کلی و چهارگانه محرومیت روستایی (اقتصادی، اجتماعی، محیطی-کالبدی و سیاسی-فرهنگی) در منطقه مورد مطالعه و با توجه به خروجی آزمون رتبه‌ای هم‌انباشتگی نامحدود اکتشافی (شکل ۳) نشان می‌دهد که بیشترین میزان محرومیت خانوارهای روستایی در شهرستان پلدختر مربوط به بعد محرومیت اقتصادی (۰/۳۰۱) بوده و بیشترین میزان محرومیت خانوارهای روستایی به این بعد محرومیت اختصاص یافته است. میزان بعد محرومیت اجتماعی (۰/۲۹۸) در رتبه دوم قرار گرفته به طوری که دسترسی مناطق روستایی به مؤلفه‌های این بعد مانند سرانه آموزشی، بهداشت و درمان (خانه بهداشت)، اوقات فراغت و کیفیت زندگی در سطح محرومی قرار دارند. توجه به این شاخص همراه با بعد اقتصادی باید در اولویت بیشتر برنامه‌های توسعه روستایی باشد. بعد محرومیت محیطی-کالبدی (۰/۲۵۱) با توجه به خروجی مورد نظر نشان می‌دهد که مناطق روستایی منطقه در شرایط محرومی قرار گرفته و این بعد محرومیت سومین بعد محرومیت روستایی در شهرستان پلدختر بوده است. بررسی میزان بعد محرومیت سیاسی-فرهنگی (۰/۲۰۱) نسبت به ابعاد دیگر در وضعیت بهتری قرار گرفته‌اند. با این حال به صورتی کلی می‌توان گفت که ابعاد مهم محرومیت روستایی در شهرستان پلدختر به ترتیب مربوط به ابعاد اقتصادی، اجتماعی، محیطی-کالبدی و سیاسی-فرهنگی بوده است (شکل ۳).



شکل ۳ مقادیر ابعاد چهارگانه محرومیت روستایی در شهرستان پلدختر

۴-۲- سنجش اهمیت شاخص‌های عینی و ذهنی محرومیت روستایی

برای پاسخ‌گویی به پرسش دوم پژوهش در زمینه اهمیت شاخص‌های عینی و ذهنی محرومیت روستایی از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شد. براساس نتایج این آزمون (جدول ۱۰) میانگین شاخص‌های عینی ۴/۰۸ و شاخص‌های ذهنی ۳/۵۲ است. مقدار sig به دست آمده برای ابعاد نیز باهم برابر نیست. میزان هر دو کمتر از سطح تحت پوشش آلفای ۰/۰۵ است. این امر نشان‌دهنده تفاوت شاخص‌های عینی و ذهنی برای سنجش محرومیت در منطقه مورد مطالعه است. از این‌رو می‌توان پذیرفت که از نظر پاسخ‌دهندگان بین شاخص‌های عینی و ذهنی به لحاظ اهمیت تفاوت معناداری وجود دارد و اهمیت شاخص‌های عینی بیشتر از شاخص‌های ذهنی است.

جدول ۱۰ اهمیت شاخص‌های عینی و ذهنی

نماگرها	میانگین	N	آماره t	معناداری	تفاوت	
					میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد
					حد پایین	حد بالا
عینی	۴/۰۸	۶۲	۱۹/۴۶۷	۰/۰۰۰	۱/۴۸۰	۱/۳۳
ذهنی	۳/۵۲	۲۹	۱۳/۸۹۶	۰/۰۰۴	۱/۱۱۴	۰/۹۶

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

۴-۳- بررسی الگوی فضایی ابعاد محرومیت روستایی شهرستان پل‌دختر

راه‌های بسیاری برای افتراق مکانی بین مناطق یا تشخیص تفاوت یک مکان از مکان دیگر وجود دارد. آزمون‌های تعقیبی تحلیل واریانس از جمله آزمون‌های پرکاربرد در این زمینه است. در این مطالعه برای پاسخ به پرسش سوم پژوهش از این آزمون استفاده شد. این آزمون مناطق مختلف را براساس سطح معنی‌داری و میانگین طبقه‌بندی می‌کند. برای ارائه الگوی فضایی از سیستم اطلاعات جغرافیا استفاده شد. برای انجام این کار میانگین‌های به دست آمده با کمک این نرم‌افزار به اطلاعات فضایی متصل و نقشه‌های مورد نظر تهیه شد. در این الگو محرومیت در سه سطح (بالا، متوسط و پایین) دسته‌بندی شد. براساس جدول ۱۱ می‌توان گفت که تفاوت معنی‌داری بین مناطق روستایی شهرستان از نظر محرومیت اقتصادی وجود دارد. مناطق روستایی دهستان میانکوه غربی و میانکوه شرقی در پایین‌ترین سطح قرار دارند. روستاهای دهستان ملاوی و جایدرد نسبت به سایر نواحی در وضعیت بهتری قرار گرفته‌اند. از نظر محرومیت اجتماعی دهستان‌های جلوگیر میانکوه غربی و میانکوه شرقی در پایین‌ترین سطح و روستاهای دهستان جایدرد نسبت به دهستان‌های دیگر در سطح بالاتری قرار دارند. از نظر سیاسی- فرهنگی دهستان میانکوه غربی نسبت به سایر دهستان‌ها در سطح محروم‌تری قرار دارد. دهستان جایدرد نسبت به سایر دهستان‌ها در وضعیت بهتری قرار دارد. از نظر محرومیت محیطی- کالبدی دهستان‌های میانکوه شرقی، میانکوه غربی، افرینه و جلوگیر در پایین‌ترین سطح و روستاهای دهستان‌های جایدرد در بالاترین سطح قرار دارند. به صورت کلی می‌توان گفت که دهستان جایدرد نسبت به سایر دهستان‌ها از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار است. شاید بتوان گفت که دلیل اصلی این امر قرارگیری مرکز شهرستان (شهر پل‌دختر) در این دهستان و نزدیکی روستاهای آن به مرکز شهری است. محروم‌ترین روستاهای منطقه در دهستان‌های میانکوه غربی و میانکوه شرقی قرار دارند.

جدول ۱۱ وضعیت مناطق روستایی دهستان‌های شهرستان پل‌دختر از نظر شاخص‌های محرومیت

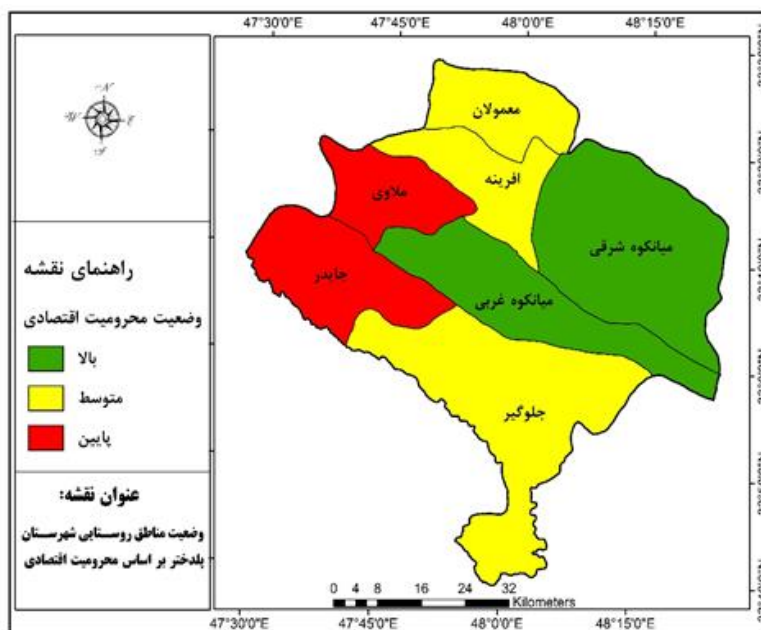
طبقات						ابعاد
معنی‌داری (sing)	سوم	معنی‌داری (sing)	دوم	معنی‌داری (sing)	اول	
۰/۰۲۳	ملاوی ^{**} جایدرد ^{**}	۰/۳۸۹	جلوگیر ^{**} معمولان ^{**} افرینه [*]	۰/۰۹۱	میانکوه غربی [*] میانکوه شرقی [*]	اقتصادی
۰/۰۱۸	جایدرد ^{***}	۰/۰۶۶	معمولان ^{**}	۰/۴۱۵	جلوگیر [*]	اجتماعی



			**افرینه **ملاوی		*میانکوه شرقی *میانکوه غربی	
۰/۰۲۱	***جایدر	۰/۹۲۸	**میانکوه شرقی **ملاوی **جلوگیر **افرینه **معمولان	۰/۱۰۱	*میانکوه غربی	سیاسی- فرهنگی
۰/۰۰۱	***جایدر	۰/۲۰۴	**ملاوی **معمولان	۰/۴۹۵	*میانکوه شرقی *میانکوه غربی *جلوگیر	محیطی- کالبدی
میانگین (* بین ۱ تا ۲؛ ** بین ۲ تا ۳؛ *** بیشتر از ۳)						

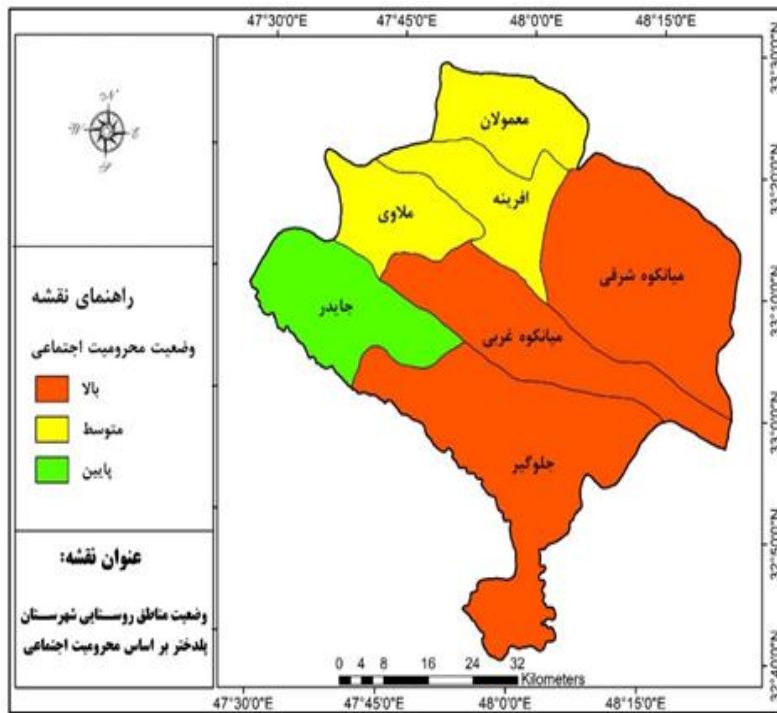
منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

الگوی فضایی محرومیت اقتصادی نشان می‌دهد که بین مناطق روستایی شهرستان پلدختر تفاوت معنی‌داری وجود دارد. هر چند مناطق روستایی این شهرستان به دلیل محدودیت منابع مالی و درآمد تک محصولی و وابسته به کشاورزی با محرومیت زیادی روبه‌رو می‌باشند، ولی برخی روستاها به دلیل حاصل‌خیزی خاک و منابع محلی مناسب از نظر وضعیت اقتصادی در سطح به نسبت بهتری قرار دارد. روستاهایی که نزدیکی مراکز شهری قرار گرفته‌اند نسبت به روستاهای دورافتاده دارای وضعیت بهتری بوده‌اند. الگوی فضایی محرومیت اقتصادی (شکل ۴) نشان می‌دهد بیشترین میزان محرومیت اقتصادی مربوط به روستاهای دهستان میانکوه شرقی و میانکوه غربی بوده و روستاهای این دهستان نسبت به سایر مناطق با محرومیت بیشتری مواجه می‌باشند. دهستان جایدر و ملاوی با این‌که از نظر شاخص‌های محرومیت در سطح پایین بوده، ولی در مقایسه با سایر نواحی در سطح مطلوب‌تری قرار دارند.



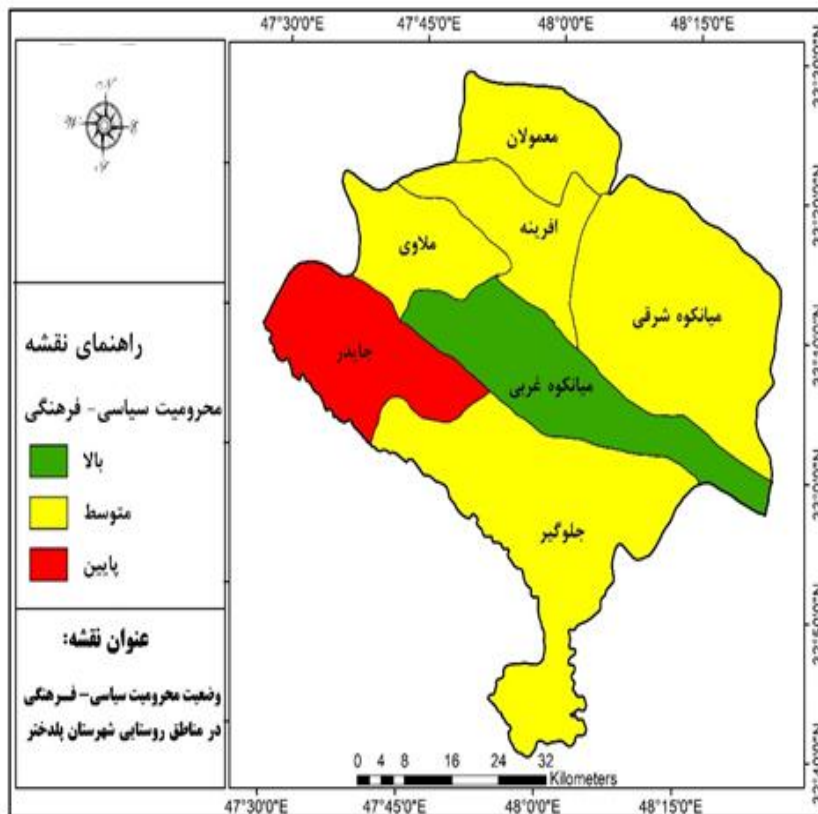
شکل ۴ نقشه الگوی فضایی محرومیت اقتصادی

الگوی فضایی محرومیت اجتماعی نشان می‌دهد که سه دهستان میانکوه غربی، میانکوه شرقی و جولوگیر در یک سطح قرار دارند و روستاهای این سه دهستان به دلیل محدودیت دسترسی به امکانات آموزشی، بهداشتی، بیمه سلامت و غیره جز محروم‌ترین روستاهای شهرستان پلدختر است. هر چند میزان محرومیت اجتماعی خانوارها در سطح پایینی بوده، ولی روستاهای دهستان جایدرد در مقایسه با سایر مناطق در وضعیت بهتری قرار دارند. دسترسی خانوارها به امکانات آموزشی و بهداشتی به دلیل فاصله کم تا مرکز شهرستان و افزایش بالنسبه کیفیت زندگی در این روستاها دلیل مهم این امر است (شکل ۵).



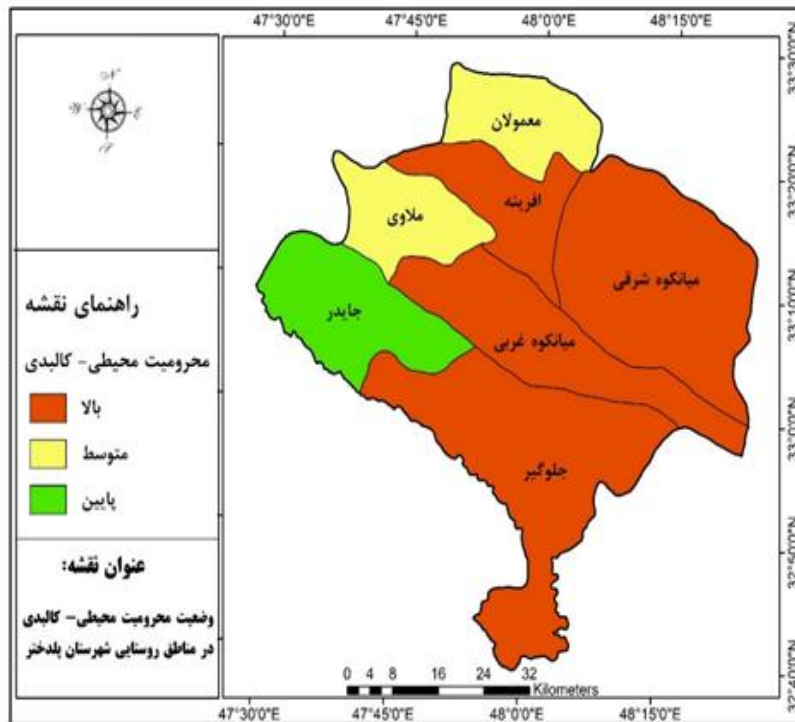
شکل ۵ نقشه الگوی فضایی محرومیت اجتماعی

الگوی فضایی محرومیت سیاسی- فرهنگی (شکل ۶) نشان می‌دهد که به جز دو دهستان جایدرد و میانکوه غربی که اختلاف زیادی از نظر این بعد محرومیت دارند؛ سایر روستاها تا حدی در یک سطح قرار گرفته‌اند. به دلیل همگنی پنج دهستان میانکوه غربی، میانکوه شرقی، افرینه، جلوگیر و ملاوی از نظر شاخص‌های مشارکت سیاسی، امنیت عمومی و زیرساخت‌های فرهنگی، میزان محرومیت سیاسی- فرهنگی آن‌ها نیز در یک سطح بوده است. هر چند در برخی نقاط روستایی این دهستان‌ها اختلافات طایفه‌ای از میزان این بعد محرومیت کاسته است. در این بعد محرومیت روستاهای دهستان میانکوه غربی محروم‌ترین دهستان در شهرستان پلدختر است. وضعیت محرومیت سیاسی- فرهنگی روستاهای دهستان جایدرد در مقایسه با سایر نواحی در وضعیت بهتری قرار دارد. درصد شاخص مشارکت سیاسی در اکثر نواحی روستایی در این شهرستان در حد بالایی بوده است. هر چند از نظر زیر ساخت‌های فرهنگی (به جر دهستان جایدرد) و رعایت حقوق قومیت‌ها اکثر روستاهای شهرستان در وضعیت محرومی قرار دارند.



شکل ۶ نقشه الگوی فضایی محرومیت سیاسی- فرهنگی

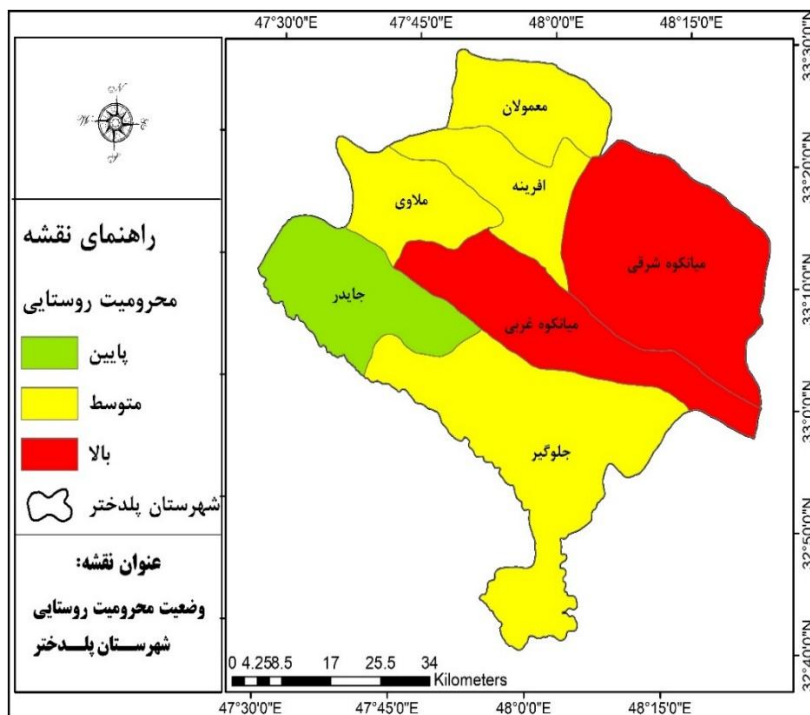
الگوی فضایی محرومیت محیطی- کالبدی شکل ۷ نشان می‌دهد که روستاهای چهار دهستان میانکوه غربی، میانکوه شرقی، جلوگیر و افرینه تا حدی در یک سطح قرار گرفته و محروم‌ترین روستاهای شهرستان نیز همین مناطق هستند. بیشتر روستاهای این مناطق ضمن دوری از مراکز شهری میان زاگرس مرتفع قرار دارند و تیپ روستاهای آن نیز کوهستانی است. دهستان جایدار از نظر محرومیت محیطی- کالبدی نسبت به سایر مناطق در سطح بهتری قرار دارد. دلیل مهم این امر مناسب بودن امکانات زیرساختی روستاهای این دهستان بوده است. در برخی روستاهای بزرگ و پرجمعیت سایر دهستان‌ها که معمولاً شامل مرکز دهستان‌هاست و امکانات زیربنایی به نسبت مناسبی دارند و از این نظر تا حدی در وضعیت مناسبی قرار دارند. بیشتر روستاهای دور افتاده و کوچک نیز با محرومیت کالبدی- محیطی بیشتری مواجه بوده‌اند.



شکل ۷ نقشه الگوی فضایی محرومیت محیطی - کالبدی

در نهایت الگوی فضایی محرومیت کلی روستایی شهرستان پلدختر نشان می‌دهد که بین مناطق روستایی شهرستان پلدختر تفاوت معنی‌داری وجود دارد. هر چند مناطق روستایی این شهرستان به دلیل محدودیت منابع مالی، سطح آموزش و بهداشت نامناسب، عدم وجود زیرساخت‌های فرهنگی و زیرساخت‌های روستایی و درآمد تک‌محصولی و وابسته به کشاورزی و غیره با محرومیت زیادی روبه‌رو است، ولی برخی روستاها به دلیل وضعیت به نسبت بهتر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی - فرهنگی و محیطی - کالبدی در سطح به نسبت خوبی قرار دارد. روستاهایی که در نزدیکی مراکز شهری (به ویژه مرکز شهرستان) قرار گرفته‌اند نسبت به روستاهای دورافتاده دارای وضعیت بهتری بوده‌اند. الگوی کلی محرومیت روستایی شکل ۸ نشان می‌دهد بیشترین میزان محرومیت روستایی مربوط به روستاهای دهستان میانکوه شرقی و میانکوه غربی بوده و روستاهای این دهستان نسبت به سایر مناطق با محرومیت بیشتری مواجه است. دهستان جایدرد با این‌که از نظر شاخص‌های محرومیت در سطح پایین بوده، ولی در مقایسه با سایر نواحی در سطح مطلوب‌تری قرار دارند. سایر دهستان‌ها (افرینه، معمولان،

ملای و جلوگیر) در مقایسه با دیگر دهستان‌ها و نواحی در سطح متوسطی از محرومیت قرار دارند.



شکل ۸ نقشه الگوی کلی محرومیت روستایی شهرستان پلدختر

۵- بحث و نتیجه‌گیری

به چند دلیل عمده مناطق روستایی مستلزم نگاه دقیق و تحلیل سیاست‌های توسعه روستایی می‌باشند. اول، بخش عمده‌ای از جمعیت جهان در روستاها زندگی می‌کنند. طبق آمار بانک جهانی (۲۰۱۷) ۳۷/۷ درصد از کل زمین‌های زراعی در این مناطق قرار دارند. ۳/۹ میلیارد نفر در مناطق روستایی ساکن است (۴۶٪). دوم، مناطق روستایی تقریباً تمام منابع لازم مانند مواد غذایی و منابع انرژی برای زندگی انسان را در خود جای داده‌اند. سوم، نابرابری شهری و روستایی و محرومیت روستایی است. علاوه بر این مناطق روستایی از نظر توسعه پایدار و محیط زیست برای آینده بسیار مهم هستند. یکی از استراتژی‌های مهم پیش‌روی بیشتر کشورها برای رسیدن به توسعه مسئله رفع محرومیت روستایی است. به همین دلیل سنجش محرومیت برای بهبود معیشت افزایش کیفیت زندگی مناطق محروم به عنوان یک اصل مهم برای



سیاست‌گذاران باید در اولویت قرار گیرد. با توجه به اهمیت این موضوع در این مطالعه نیز ضمن شناسایی شاخص‌های مهم محرومیت روستایی به تحلیل الگوی فضایی آن پرداخته شد. برای انجام این امر با استفاده از مطالعات نظری اقدام به طراحی نماگرهایی در قالب شاخص‌های محرومیت اقدام گردید. این نماگرها شامل نود و یک نماگر عینی و ذهنی، هیجده شاخص و چهار عامل بوده است. در اولین گام شاخص‌های محرومیت مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج نشان داد که از هیجده شاخص در نظر گرفته شده، یازده شاخص در سطح پایینی قرار دارند و روستاهای منطقه در زمینه این یازده شاخص در محرومیت به سر می‌برند. از این تعداد سه شاخص درآمد و پس‌انداز، مالکیت و مسکن مربوط به بعد اقتصادی، سه شاخص آموزش، بهداشت و خدمات رفاهی مربوط به بعد اجتماعی، دو شاخص زیرساخت‌های فرهنگی و حقوق قومیت‌ها مربوط به بعد سیاسی- فرهنگی، و سه شاخص محیط زیست، شبکه معابر و زیرساخت‌ها مربوط به محرومیت محیطی- کالبدی بوده است. این برآوردها حاکی از شرایط نامناسب و محرومیت مناطق روستایی در شهرستان پلدختر است. براساس ابعاد چهارگانه می‌توان گفت که بیشترین میزان محرومیت خانوارهای روستایی شهرستان پلدختر مربوط به بعد محرومیت اقتصادی (۰/۳۰۱) بوده و بیشترین میزان محرومیت خانوارهای روستایی به این بعد محرومیت اختصاص یافته است. میزان بعد محرومیت اجتماعی (۰/۲۹۸) در رتبه دوم قرار گرفته است. بعد محرومیت محیطی- کالبدی (۰/۲۵۱) در رتبه سوم قرار گرفته و مناطق روستایی منطقه مورد مطالعه در شرایط محرومی به سر می‌برند. با این حال بعد محرومیت سیاسی- فرهنگی (۰/۲۰۱) نسبت به ابعاد دیگر محرومیت در وضعیت بهتری قرار گرفته‌اند. در زمینه بعد محرومیت سیاسی- فرهنگی می‌توان گفت که فقط دو شاخص زیرساخت‌های فرهنگی و حقوق قومیت‌ها و اقلیت‌ها در سطح پایینی قرار دارند. با این حال می‌توان گفت که ابعاد مهم محرومیت روستایی در شهرستان پلدختر به ترتیب مربوط به ابعاد اقتصادی، اجتماعی، محیطی- کالبدی و سیاسی- فرهنگی بوده است. از نظر پاسخ‌دهندگان اهمیت شاخص‌های عینی بیشتر از شاخص‌های ذهنی است. تحلیل فضایی روستاهای شهرستان پلدختر از لحاظ ابعاد محرومیت نیز نشان داد که بین روستاهای مختلف تفاوت معنی‌داری وجود دارد و این تفاوت محرومیت بین روستاهای منطقه نسبی بوده و در مقایسه با سایر مناطق براساس سه سطح محرومیت پایین، متوسط و محرومیت بالا دسته‌بندی شده‌اند. میزان محرومیت روستاهای منطقه مورد مطالعه دارای شدت و ضعف است. برای کاهش محرومیت ضمن شناسایی شاخص‌های منطقه‌ای محرومیت باید برای هر منطقه راه‌کار مناسب ارائه گردد. در راستای یافته‌های پژوهش و در جهت کاهش محرومیت روستایی پیشنهادات زیر ارائه شد:

الف) اولین راه‌کار، شناسایی شاخص‌های محلی و منطقه‌ای مربوط به هر یک از جوامع شهری و روستایی است که براساس این شاخص‌ها بتوان الگوها و استراتژی‌ها متناسب برای کاهش محرومیت هر منطقه ارائه داد؛ ب) بیشترین میزان محرومیت در منطقه مربوط به بعد اقتصادی است. در این بین وضعیت درآمد از بقیه شاخص‌ها نامناسب‌تر است. آنچه بیشتر از هرزمانی مورد نیاز مناطق روستایی است توجه به تنوع درآمدی روستاییان و معیشت پایدار به ویژه درآمدهای خارج از مزرعه مثل صنایع روستایی، صنایع تبدیلی و تکمیلی است که باید مورد توجه برنامه‌ریزان توسعه روستایی قرار گیرد؛ پ) با تسهیل شرایط اخذ وام مسکن، کاهش سود بانکی، کاهش مبلغ اقساط آن برای همه روستاییان و کمک‌های بلاعوض به آن‌ها می‌توان به بهبود کیفیت مسکن روستایی کمک نمود؛ ت) بیشترین نقطه ضعف درآمدی روستاییان را می‌توان ناتوانی آن‌ها در دسترسی مناسب به انواع کودها و بذرها، نداشتن دسترسی به بازار محصولات کشاورزی و ناتوانی سرمایه‌گذاری در امور کشاورزی و هزینه زیاد فعالیت‌های کشاورزی برشمارد که باعث عدم بهره‌وری روستاهای منطقه از پتانسیل‌های خود در بخش کشاورزی شده است؛ بنابراین ارائه خدماتی مثل دادن یارانه مخصوص کشاورزی، دادن وام و اعتبارات مالی و بیمه رایگان محصولات از راه‌کارهای مهم کاهش محرومیت اقتصادی در روستاهای منطقه و در روستاهای سراسر کشور است؛ ث) سرمایه‌گذاری دولت در زمینه سیستم‌های آبیاری و انتقال آب رودخانه‌های شهرستان پلدختر مثل سیمره و کشکان می‌تواند نیازهای آبی خشکسالی را تأمین نمود. این امر باعث افزایش بازده محصولات کشاورزی و در نتیجه افزایش درآمد و کاهش محرومیت در روستاهای منطقه مورد مطالعه می‌شود؛ ج) امکانات بهداشتی، آموزشی و شاخص‌های رفاهی از اصول مهم و اولیه مورد نیاز هر جامعه است. توجه به این شاخص‌ها به منظور تربیت نیروی انسانی سالم باید در اولویت برنامه‌های توسعه روستایی قرار گیرد؛ ه) توجه بیشتر به نواحی روستایی در زمینه دسترسی به زیرساخت‌های روستایی و اجرای طرح‌های هادی به ویژه در روستاهای کوچک و نواحی کوهستانی می‌توان میزان محرومیت زیرساختی را کاهش داد؛ ی) در نهادیت براساس این گفته نلسون ماندلا (سخنرانی در میدان ترافالگار، لندن، ۲۰۰۵) «فقر و محرومیت طبیعی نیست. توسط انسان ساخته شده است و انسان می‌تواند توسط اقدامات خود بر آن غلبه و آن را ریشه‌کن کند. باید واقعی بر فقر و محرومیت غلبه کرد نه با ژست‌های سیاسی و خیریه. این عمل از عدالت است. این حفاظت از حقوق انسانی است، حق کرامت و زندگی مناسب و معقول»؛ بنابراین باید به صورت واقعی بر محرومیت روستایی غلبه نمود، جوامع روستایی نیاز به حمایت واقعی دارند نه با طرح‌ها، برنامه‌ها و ژست‌های سیاسی، برای کاهش محرومیت روستایی باید برنامه‌های بلندمدت در



زمینه کشاورزی و دامداری نه با برنامه‌های کالبدی و نمادین طرح نمود، لازم است امکانات در اختیار آن‌ها قرار داد نه پول نقد یا سیر کردن شکم آن‌ها باشد. به خانورهای روستایی باید ماهیگیری آموخت نه ماهی داد، همچنین توصیه می‌شود که مطالعات بیشتری در زمینه شناسایی شاخص‌های محرمیت روستایی و بررسی تفاوت‌های نواحی مختلف از نظر این شاخص‌ها انجام گیرد. به این امید که از این پژوهش جهت کاهش محرومیت روستایی کشور عزیزمان بهره گرفته شود مخصوصاً روستاهای دورافتاده شهرستان پلدختر که در محرومیت به سر می‌برند. در پایان از نظر مقایسه نتایج به دست آمده این مطالعه با مطالعات پیشین می‌توان گفت که نتایج این مطالعه در زمینه اهمیت شاخص‌های محرومیت اقتصادی به ویژه شاخص درآمد با نتایج تحقیقات میسر و همکاران (۲۰۱۳)، کین لو و همکاران (۲۰۱۴)، اولاداپو سام (۲۰۱۴) و دوبلر و گلاسکو (۲۰۱۶) در زمینه اهمیت شاخص‌های محرومیت اجتماعی مانند شاخص آموزش، امکانات بهداشتی، با نتایج مطالعه نوبل و وایت (۲۰۱۲) الکیر و سانتوس (۲۰۱۴)، اولا و جیمه (۲۰۱۵)، کابرو برونو و همکاران (۲۰۱۵) و در زمینه اهمیت شاخص‌های عینی محرومیت در مقایسه با شاخص‌های ذهنی با نتایج تحقیقات هاوارد و همکاران (۲۰۰۸)، باتلر و همکاران (۲۰۱۰)، نوبل و وایت (۲۰۱۲) همسو بوده و نتایج این تحقیقات را تأیید می‌نمایند.

منابع

۱. پورطاهری، مهدی، محمدی، ناهیده و عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری (۱۳۹۳). ارزیابی و سنجش محرومیت در سطح مناطق روستایی مورد: بخش مرکزی شهرستان جوانرود، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال سوم، ۳(۹)، صص ۱۷-۴۰.
۲. جمشیدی، علیرضا، صیدایی، سیداسکندر، جمشیدی، معصومه، غلامی، علیرضا و داود جمینی (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر وجود یا عدم وجود عوامل اصلی تشکیل‌دهنده تله محرومیت در مناطق روستایی شهرستان شیروان و چرداول، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال سیزدهم، ۳۱، صص ۱۱۳-۱۳۱.
۳. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۴). جامعه روستایی و نیازهای آن: پژوهش در ۳۲ روستای برگزیده یزد، چاپ سوم، شرکت سهامی انتشار.
۴. زالی، نادر (۱۳۹۰). مدیریت توسعه منطقه‌ای با تحلیل نقش فاصله در میزان توسعه دواير متحدالمركز در استان‌ها (نمونه موردی استان آذربایجان شرقی)، مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا تربیت مدرس، ۳(۱۵)، صص ۱۱۱-۱۳۲.

۵. سوادی، علی‌اصغر، پورطاهری، مهدی و عبدالرضا رکن‌الدین‌افتخاری (۱۳۹۶). تبیین نظری اصول محتوایی و مؤلفه‌های مبنایی تدوین الگوی بومی (اسلامی- ایرانی) مدیریت: با تأکید بر مدیریت روستایی، *مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا تربیت مدرس*، ۴(۲۱)، صص ۸۶-۱۲۱.
۶. شیخ‌بیگلر، رعنا، تقوایی، مسعود و حمیدرضا وارثی (۱۳۹۱). تحلیل فضایی محرومیت و نابرابری‌های توسعه در شهرستان‌های ایران، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۴۶(۱۲)، صص ۲۱۵-۲۴۵.
۷. طاهرخانی، مهدی، (۱۳۸۱). بازشناسی عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا- شهری، با تأکید بر مهاجرت جوانان روستایی استان قزوین، *مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا، تربیت مدرس*، ۲(۶)، صص ۴۱-۶۰.
۸. طولابی‌نژاد، مهرشاد، بذرافشان، جواد و سیروس قنبری (۱۳۹۶). تحلیل ارتباط شاخص‌های منطقه‌ای محرومیت با پایداری محیطی (مورد مطالعه: روستاهای شهرستان پلدختر)، *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۴۶(۱۷)، صص ۴۵-۷۲.
9. Alkire, S and Santos. M. E, (2014). Measuring Acute Poverty in the Developing World: Robustness and Scope of the Multidimensional Poverty Index, *World Development*, Vol. 59, pp. 251- 274.
10. Allika. M, Brown. D, Dundas. R and Leyland. A. H, (2016). Developing a new small-area measure of deprivation using 2001 and 2011 census data from Scotland, *Health and Place*, Vol. 39, pp. 122- 130.
11. Bellani. L and D'Ambrosio. C, (2011). Deprivation, Social Exclusion and Subjective Well-Being, *Social Indicators Research*, Vol. 104, 1, pp. 67- 86.
12. Berthoud. R and Bryan. M, (2011). *Income, deprivation and poverty: a longitudinal analysis*, *Journal of Social Policy*, Vol. 40, pp. 135- 156.
13. Braveman, P. A., Cubbin, C., Egerter, S. Chideya, S., Marchi, K. S., Metzler, and M., Posner, S., (2005). Socioeconomic status in health research: one size does not fit all, *Journal of the American Medical Association*, Vol 294, 22, pp. 2879-2888.
14. Cabrera-Barona, P. Murphy, T. Kienberger, S. and Blaschke, T. (2015). a multi-criteria spatial deprivation index to support health inequality analyses, *International Journal of Health Geographic*, Vol 14, 11, pp. 1-14.
15. Chambers, R., (1995). Poverty and livelihoods: whose reality counts?, *Environment and Urbanization*, Vol 7, pp. 173-204.
16. Chzhen, Y. and Ferrone, L. (2017). Multidimensional Child Deprivation and Poverty Measurement: Case Study of Bosnia and Herzegovina, *Social Indicators Research*, Vol 131, 3, pp. 999- 1014.
17. Davis, James. A (2011). a Formal Interpretation of the Theory of Relative Deprivation, *Sociometry*, Vol 22, 4, pp. 280- 296.
18. Doebler, S. and Glasgow, N. (2016). Relationships between Deprivation and the Self-Reported Health of Older People in Northern Ireland, *Journal of Aging and Health*, Vol 29, 4, pp 594- 619.



19. Dymitrow, M. Bieganska, J. and Grzelak-Kostulska. E, (2017). Deprivation and the Rural-Urban Trap, *Tijdschrift voor economische en sociale geographies'*, Vol. 108, 3, pp. 1- 22.
20. Farmer, J. C. Baird, A. G. and Iversen, L. (2001). Rural deprivation: reflecting reality, *British Journal of General Practice*, Vol. 51, pp. 486- 491.
21. Fu, M. Exeter, D. J. and Anderson, A., (2015). the politics of relative deprivation: a transdisciplinary social justice perspective, *Social Science and Medicine*, Vol. 133, pp. 223- 232.
22. Gordon. D, (2003). Area based deprivation measures: a UK perspective, *Neighbourhoods and Health*, Oxford University Press, New York.
23. Gunner, J. (1999). *Home or away: tackling youth homelessness in the countryside*, London: Centrepoint.
24. Hicks, N. Streeten, P., (1979). Indicators of development: The search for a basic needs yardstick, *World Development*, Vol. 7, pp. 567-580.
25. Kawachi, I. Kennedy, B. P. and Wilkinson, R.G, (1999). Crime: social disorganization and relative deprivation, *Social Science and Medicine*, Vol. 48, 6, pp. 719- 731.
26. Kin Law, C. Marie Snider, A. and De Leo, D. (2014). the influence of deprivation on suicide mortality in urban and rural Queensland: an ecological analysis, *Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology*, Vol. 49, 12, pp. 1919- 1928.
27. Mahadevana, R. and Hoang, V. N. (2016). the Nexus between poverty and deprivation in Vietna, *Journal of Policy Modeling*, Vol. 38, 2, pp. 290- 303.
28. Marí Dell'Olmo, M. Beneito-Martinez, M. A. Borrell, C. Zurriaga, O. Nolasco, A. and Berjón-Dominguez, M. F. (2012). *Bayesian Factor Analysis to Calculate a Deprivation Index and Its Uncertainty*, Vol. 22, 3, pp. 356-364.
29. Martin, D. Brigham, P. Roderick, P. Barnett, S. and Diamond, I. (2000). the (mis) representation of rural deprivation, *Environment and Planning A: Economy and Space*, Vol. 32, 4, pp. 735-752.
30. Max-Neef, M. Elizalde, A. and Hopenhayn, M. (1989). Human Scale Development: An Option for the Future, development dialogue, *Journal of international development cooperation*, Vol. 1, pp. 7- 81.
- Meijer, M. Rohl, J. Bloomfield, K. and Grittner, U. (2012). Do neighborhoods affect individual mortality? A systematic review and meta-analysis of multilevel studies, *Social Science & Medicine*, Vol. 74, 8, pp. 1204-1212.
31. Merton, R. K. (1938). Social Structure and Anomie, *American Sociological*, Vol. 3, pp. 672- 682.
32. Noble, M. and Wright, G. (2012). Using indicators of multiple deprivations to demonstrate the spatial legacy of apartheid in South Africa, *Social Indicator Research*, Vol. 112, 1, pp. 187-201.
33. Noble, M. Barnes, H. Wright, G. and Robert, B. (2010). Small area indices of multiple deprivation in South Africa, *Social Indicator Research*, Vol. 95, 2, pp. 281- 297.

34. Ola, A. B. and Jimoh, U. U. (2015). Coping with Infrastructural Deprivation through Collective Action among the Rural People of Oyun Lga, Kwara State, Nigeria, *Journal of Public Policy & Governance*, Vol. 2, 1, pp. 17- 29.
35. Oladapo Sam, I. (2014). Achieving Sustainable Poverty Reduction and Rural Development in Nigeria through Local Economic Development Strategies, *American Journal of Rural Development*, Vol 2, 1, pp. 13- 19.
36. Pampalon, R. Hamel, D. and Gamache, P. H, (2010). Health inequalities in urban and rural Canada: Comparing inequalities in survival according to an individual and area-based deprivation index, *Health and Place*, Vol. 16, 2, pp. 416- 420.
37. Pampalon, R. Hamel, D. Gamache, P. Philibert, M. D. Raymond, G. and Simpson, A. (2012). an area-based material and social deprivation index for public health in Quebec and Canada, *Can Journal Public Health*, Vol. 103, 8, pp. 17- 22.
38. Pernet, C. Delpierre, C. Dejardin, O. Grosclaude, P. Launay, L. Guittet, L. Lang, T. and Launoy, G. (2012). Construction of an adaptable European transnational ecological deprivation index: the French version, *Journal Epidemiol Community Health*, Vol. 1, pp. 1- 8.
39. Reinken, J. A. McLeod, J. W. and Murphy, I. T. (1985). *Health and Equity Management Services and Research Unit*, New Zealand Department of Health, Wellington.
40. Ribeiro, A. I. Mayer, A. Miranda, A. Fátima de Pina, M. (2017). the Portuguese Version of the European Deprivation Index, *an Instrument to Study Health Inequalities*, Vol. 30, 3, pp. 17- 25.
41. Rojas, M. (2008). Experienced Poverty and Income Poverty in Mexico: A Subjective Well-Being Approach, *World Development*, Vol. 36, pp. 1078-1093.
42. Rowntree, S. (2000). *Poverty: A Study of Town Life*, Macmillan, London.
43. Sala- I-Martin, X. (2006). the World Distribution of Income: Falling Poverty and Convergence, Period, *Quarterly Journal of Economics*, Vol. 121, pp. 351-397.
44. Schaefer, R. T. (2008). *Racial and Ethnic Groups, 11th Ed.*, Not in this book Pearson Education.
45. Sen, A., (1999). *Development as Freedom*, Oxford University Press, Oxford New York.
46. Silber. J and Verme. P, (2012). Relative deprivation, reference groups and the assessment of standard of living, *Economic Systems*, Vol 36, No 1, pp 31- 45.
47. Singh. G. K, Azuine. R. E, Siahpush. M and Kogan. M. D, (2013). All-Cause and Cause-Specific Mortality among US Youth: Socioeconomic and Rural–Urban Disparities and International Patterns, *Journal of Urban Health*, Vol 90, 3, pp. 388- 405.
48. Singh. R and Sarkar. S, (2015). Children’s experience of multidimensional deprivation: Relationship with household monetary poverty, *the Quarterly Review of Economics and Finance*, Vol. 56, pp. 43- 56.



49. Smith, A. (2007). *An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations*, Harriman House, Hampshire.
50. Townsend, P. (1987). Deprivation, *Journal of Social Policy*, Vol 16, No 2, pp 125- 146.
51. Walker, I. and Smith, H. J. (2001). *Relative Deprivation: Specification, Development, and Integration*, Cambridge University Press, 2001, ISBN 0-521-80132-X, Google Books.
52. Wan, C. and Su, S. (2017). China is social deprivation: Measurement, spatiotemporal pattern and urban applications, *Habitat International*, Vol 62, pp. 22- 42.
53. Welsh Government, M. (2011). *Welsh index of multiple deprivation 2011*. Statistics for Wales.
54. World Bank, (2017). *From Population Lending to HNP Results*, the Evolution of the World Bank's Strategies in Health, Nutrition and Population, <https://openknowledge.worldbank.org/handle/10986/6406>.
55. Yuan. Y and Wu. F, (2014). the development of the index of multiple deprivations from small-area population census in the city of Guangzhou, *PRC, Habitat International*, Vol 41, pp. 142- 149.
56. Zhang, X. Q. (2016). the trends, promises and challenges of urbanization in the world, *Habitat International*, Vol 54, No 3, pp. 241-252.